

Indigenous Islamic-Iranian Future Studies and its Plausible Achievements

Farhad Nazarizadeh

Assistant Professor, Malek e Ashtar University of Technology, Tehran, Iran
(Corresponding author).

f.nazarizadeh@ut.ac.ir

Farzaneh Mir Shahvelayati

Assistant Professor, Institute for Humanities, Cultural Studies, Tehran, Iran.

f.shahvelayati@ihcs.com

Abstract

Future studies is the science of cognition, description and formation of the future of human life in various dimensions. It is an important science for the future of all countries, which is closely related to the values, knowledge, culture, conditions, contexts and needs of every society, both theoretically and practically. Naturally, every country has its own indigenous and significant perspective towards the future. In this line, considering the rich Islamic-Iranian culture, Islamic-Iranian future studies can form the indigenous theme of future studies in Iran. After discussing Islamic future studies and its dimensions, this essay has introduced fourteen of its main achievements in four scientific, social, political and legal fields. The research method, employed by the Author is systematic study of the existing literature and analysis of previous works. Our study shows that the Islamic future studies has different functions from the point of view of different stakeholders (especially society, government and scientists). Islamic future studies, from the general point of view and for the society, is a guide to move towards excellence, hope and happiness in this world and the hereafter. From the point of view of academics, the religious perspective can offer new horizons and solutions that compensate for the theoretical and practical shortcomings of science in terms of cognition of the future. In terms of governance, Islamic future studies can be employed as a framework for progress and governance and as a tool to justify policies and actions.

Keywords: Religion and Futures studies, Islamic Futures studies, Science Islamization, Islamic futures studies applications.

آینده پژوهی بومی (اسلامی - ایرانی) و دستاوردهای متصور آن

فرهاد نظری زاده

استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

f.nazarizadeh@ut.ac.ir

فرزانه میرشاهولایتی

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

f.shahvelayati@ihcs.com

چکیده

آینده پژوهی دانش شناخت، توصیف، ترسیم و شکل دهی به آینده زندگی بشر در ابعاد و زمینه های گوناگون است. آینده پژوهی دانشی مهم برای آینده هر جامعه است که هم به لحاظ نظری و چه به لحاظ عملی با ارزش ها، معارف، فرهنگ، شرایط و زمینه ها و نیازهای هر جامعه عجین بوده و طبعاً هر کشوری نگاه بومی و خاص خود را به آینده دارد. به همین دلیل و با توجه به فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی کشورمان، آینده پژوهی اسلامی - ایرانی می تواند مضمون بومی آینده پژوهی در کشور ما را تشکیل دهد. مقاله حاضر پس از بحث درباره آینده پژوهی اسلامی و ابعاد آن، چهارده مورد از دستاوردها اصلی آن را در چهار محور علمی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی معرفی کرده است. روش پژوهش، استفاده از مطالعه نظام مند ادبیات و تحلیل آثار پیشین بوده است. بررسی ما نشان می دهد آینده پژوهی اسلامی از منظر ذی نفعان مختلف (به خصوص جامعه، حکومت و دانشمندان) کارکردهای متفاوتی دارد. آینده پژوهی اسلامی، از نظر عمومی و برای جامعه به منزله راهنمایی برای حرکت به سمت تعالی، امید و سعادت دنیوی و آخروی است. از دید اندیشمندان، منظر دینی می تواند افق های جدید و راهکارهایی ارائه دهد که کمبودهای نظری و عملی علم را در قبال شناخت و ترسیم آینده جبران نماید. از نظر حاکمیت، آینده پژوهی اسلامی می تواند به عنوان چارچوب واقعی برای پیشرفت و حکمرانی باشد و هم به مثابه ابزاری برای توجیه سیاست ها و اقدامات به کار گرفته شود.

کلیدواژه ها: دین و آینده، آینده پژوهی اسلامی، اسلامی سازی علم، کاربردهای آینده پژوهی اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

فصلنامه راهبرد، سال ۳۱، شماره ۳، پیاپی ۱۰۴، پاییز ۱۴۰۱، صص ۵۱-۵۳۲

مقدمه و بیان مسئله

علوم انسانی و نقش آن در تعالی زندگی انسان‌ها، ضرورت توجه به این حوزه از علوم و مسائل مرتبط با آن را ضروری می‌سازد (زارعی، ۱۳۹۰). پس از رنسانس و با رواج نوگرایی، به تدریج رستگاری و روشنگری به مدد عقل، محور قرار گرفت (Grenz, 1996) و همین دیدگاه منشأ رواج سکولاریسم شد. با این حال در ادامه مشخص شد که عصر روشنگری آن چنان که پنداشته می‌شد، روشنگر نبوده است! بروز جنگ‌های مخرب اول و دوم با کشنده‌ترین تسلیحات و فجایع بشری، نتیجه تفکرات و اندیشه‌های دنیای غرب بود که کفایت و درایت علم بشری را زیر سؤال برده و روشنفکران را به بازنگری دانش و معرفت حاصل از رویکردهای علمی و عقل‌گرایی محض هدایت نمود (مصباح و رحیمی، ۱۳۸۹). عدم کفایت عقل بشری در تبیین مسائل انسانی و اجتماعی از چنین تجاربی آشکار می‌شود. در عین حال، روشن شده که دانش غیربومی با خاستگاه نامتناسب با خصوصیات فرهنگی یک جامعه، در حل مشکلات آن ناتوان است؛ بنابراین، در طرح و حل مسائل آینده ایران نیز نوعی آینده‌پژوهی بومی با رویکرد اسلامی - ایرانی مورد نیاز است تا با متناسب با ملاحظات فرهنگی و تمدنی جامعه و با در نظر گرفتن اهداف و آمال خاص جامعه ایرانی، ما را به سمت آینده رهنمون شود. صد البته بسیار ضروری است که با در نظر گرفتن ضرورت آینده‌پژوهی اسلامی - ایرانی، مشخص سازیم در صورت تحقق آن، چه دستاوردهایی حاصل خواهد شد و چه کمکی به مکتب آینده‌پژوهی ایرانی خواهد کرد.

درباره ضرورت آینده‌پژوهی بومی محققان خارجی و داخلی زیاد بحث کرده‌اند. بنابراین، مسئله ما این است که با در نظر گرفتن ضرورت آینده‌پژوهی اسلامی - ایرانی، مشخص سازیم در صورت تحقق آن، چه دستاوردهایی حاصل خواهد شد؟

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

دین مرجع پاسخ به بنیادی‌ترین نیازها و عمیق‌ترین سؤال‌های بشر و وظیفه و هدف اصلی آن، هدایت انسان به سوی سعادت ابدی است. لذا مشاهده می‌شود به‌رغم پیش‌بینی‌های دانشمندانی مانند کُنت، مارکس، دورکیم، وبر، فروید و دیگران که معتقد بودند با رشد علم و ارتقای آگاهی بشر، دین رو به افول خواهد رفت (ریمون،



۱۳۷۰؛ همیلتون، ۱۳۷۷؛ دورکیم، ۱۳۸۳). دین هنوز راهنمای مهم و اساسی بشر محسوب می‌شود. بر اساس آمار تنها حدود ۱۶ درصد مردم جهان بی‌دین محسوب می‌شوند که نیمی از آنها هم معتقد به خدا بوده، ولی پیرو مذهب خاصی نیستند (مرکز تحقیقاتی پو^۱، ۲۰۱۲). لذا با وجود سال‌ها طرح و ترویج تفکرات سکولار و بعضاً تفکرات دین‌ستیزانه غرب، دین هنوز به‌عنوان عنصر بنیادین فطری در حیات فردی و اجتماعی باقی مانده و نقش و آثار غیرقابل چشم‌پوشی است، اما در این بین دو سؤال اصلی مطرح است:

۱- در جوامع و نظام‌هایی دینی - از جمله ایران - که وجه غالب و چه‌بسا ستون فکری و روح جامعه را ایمان به خدا و اسلام تشکیل می‌دهد، علوم انسانی جدید به‌طور عام و آینده‌پژوهی به‌طور خاص که از غرب آمده و ریشه سکولار دارند، چه وضعی پیدا می‌کنند؟ آیا آینده‌پژوهی که ریشه در ارزش‌های عصر نوگرایی داشته و در فضای سکولاریسم نضج گرفته (Bell, 2003)، می‌تواند عیناً همانند جوامع سکولار به‌کار رود؟ تجلی و دلالت‌های اعتنا و استفاده از علوم انسانی در نظام و جامعه دینی با باور الهی، چیست؟ آیا دین و به‌خصوص اسلام دیدگاه، اصول و روش خاصی در این زمینه دارد؟ در این صورت، آیا نباید از علوم انسانی و آینده‌پژوهی اسلامی صحبتی به میان آورد؟

۲- در موضوع خاص آینده‌پژوهی، آیا قید اسلامی شدن می‌تواند دستاوردهای بومی فراتری از آینده‌پژوهی متعارف دربرداشته باشد؟ آیا آینده‌پژوهی اسلامی می‌تواند دستاوردهای جهانشمول به کل بشریت عرضه نماید؟ این دستاوردها و آثار چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

پایان‌نامه دکتری ون ذکریا (۲۰۱۰) با موضوع «مقایسه تفکرات آینده‌پژوهی غربی و اسلامی» که ابتدا مفهوم آینده را در دیدگاه چهار تن از متفکران برجسته اسلامی و غربی بررسی می‌کند (ضیاءالدین سردار، مهدی المنانجرا، الوین تافلر و دانیل بل) و نتیجه می‌گیرد دغدغه و مطالعه آینده، امری منحصر به غرب نیست و هر جامعه و تمدنی، نگاه خاص خود را به آینده و رویکرد آینده‌پژوهی ویژه خود را دارد. وی تشابه‌ها و تفاوت‌هایی را در نگاه غربی و اسلامی به آینده شناسایی می‌کند. به توصیه او اهمیت آینده‌اندیشی و آینده‌پژوهی باید فوراً توسط مسلمانان به رسمیت شناخته شود تا شرایط کنونی و عقب‌ماندگی‌های خود را جبران کنند. پژوهش وی باوجود

تأکید بر ضرورت آینده‌پژوهی اسلامی، آن را در صحنه عمل تبیین نکرده و دستاوردهای متمایزی برای آن ارائه نمی‌دهد.

بر اساس مقاله «آینده جهان اسلام از منظر دو آینده‌پژوه مسلمان: سردار و المانجرا»، طرح سردار برای آینده نسخه‌ای تجویزی و همان مدل مدینه فاضله است، اما المانجرا نسخه مردم‌سالاری اسلامی را با نگاه سناریومحور مورد تأکید قرار می‌دهد (بهروزلک و میرشاه‌ولایتی، ۱۳۹۰).

پایان‌نامه دکتری (پدرام، ۱۳۹۲) با موضوع «امکان‌سنجی آینده‌پژوهی اسلامی» که دو مقاله منبعث از آن قابل دسترس است: «نظام نگرش آینده‌پژوهی اسلامی» (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۴) و «اهداف و مفروضات آینده‌پژوهی اسلامی» (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳)، آینده‌پژوهی اسلامی را بدیل آینده‌پژوهی غربی دانسته و تأکید دارد آینده‌پژوهی رایج سکولار بوده و مناسب جامعه اسلامی نیست. البته، از دید این مقالات تا آینده‌پژوهی اسلامی شکل نگیرد، نمی‌توان درباره چپستی آن اظهارنظر دقیقی کرد.

در مجموع، مطالعات و پژوهش‌های مذکور با تأکید بر لزوم آینده‌پژوهی اسلامی، مبتنی بر این مفروضات است: (۱) آینده‌پژوهی باید متناسب با فرهنگ و اقتضائات جوامع اسلامی باشد، (۲) اسلام راهکار مفید، مؤثری و البته متفاوتی با آینده‌پژوهی غربی دارد. با این حال، ابعاد و ارکان آینده‌پژوهی اسلامی و دستاوردهای مشخص و مهم آن کمتر بحث و بررسی شده است.

۳. ملاحظات نظری (تعریف، مفاهیم، مبانی نظری)

با در نظر گرفتن آینده‌پژوهی به‌عنوان علم، مفهوم کلی‌تر علم دینی یا علم اسلامی، مبنای نظری را شکل می‌دهد و پس از آن است که، آینده‌پژوهی اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه، ابعاد اصلی آینده‌پژوهی اسلامی را تعریف کرده و درنهایت دستاوردهای این رویکرد آینده‌پژوهی را از ابعاد و منظرهای مختلف بحث و بررسی می‌نماییم.

۳-۱. اسلامی‌سازی، چرا و با چه رویکردی؟

با نگاهی گذرا به تاریخ تمدن اسلامی روشن می‌شود که مسلمان‌ها به‌تدریج از پیشگامی در صحنه تمدن جهانی کنار رفته و دچار رکود شدیدی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شده‌اند (Sardar, 1985). این مسائل باعث



شده است که اغلب کشورهای مسلمان عقب‌نگه داشته شده و به اصطلاح کشورهای غربی، کشورهای جهان سوم باشند (فشی و نظری‌زاده، ۱۳۹۱). امروزه جوامع مسلمان همچنان با مسائل اساسی و خاص خود مواجه هستند (Wan Zakaria, 2010, pp. 17-18):

- ۱- چالش‌ها، درگیری‌ها و کشمکش‌های دایمی در کشورهای اسلامی؛
- ۲- موج جهانی شدن که از تمام مرزها، فرهنگ‌ها و مذاهب فراتر می‌رود؛
- ۳- روش‌شناسی‌های رایج در جوامع اسلامی بیشتر که «ایمان‌محور» و «متن‌محور» هستند و مناسب مسائل نوپدید نمی‌باشند

در این بین، یکی از مسائل قابل توجه وابستگی به راه‌حل‌های غربی برای حل مسائل مسلمانان است که گاه آگاهانه و استعماری از سوی غرب رخ می‌دهد و یا بعضاً به دلیل نفوذ تفکرات و فرهنگ غربی به شکل ناخودآگاه و خودکار روی می‌دهد، که در هر دو صورت قهراً نوعی وابستگی و دنباله‌روی فکری را تحمیل می‌نماید.

روشن است که علوم اجتماعی و انسانی، نمی‌تواند مبتنی بر بی‌طرفی در ارزش‌ها، سلب نمودن امکان قضاوت و داوری اخلاقی و ارزشی، جدا نمودن دانش از ارزش و سرانجام، بی‌توجهی به مفاهیم شکل‌دهنده به شکل ارزش‌گذارانه باشد (پرتو، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، دین تنها برای جوامع دینی مفید نیست، چنان‌که هابرماس در جایگاه یک فیلسوف اجتماعی تأکید می‌کند دین، حتی برای اعضای سکولار جامعه، حکم یک گنجینه را دارد. در این خصوص علاوه بر کارکرد اخلاقی دین، کارکرد آن در زمینه معنابخشی به زندگی نیز از سوی هابرماس مورد توجه قرار گرفته است (مصباح و رحیمی، ۱۳۸۹). البته، باید توجه داشت گرچه ممکن است جوامع نوگرا و سکولار با گذار به سوی فرانوگرایی و فراسکولاریسم، از دین برای معنابخشی به زندگی دنیوی استفاده‌کننده (گوشه، ۱۳۸۵)؛ دین برای دین‌باوران، تنها برای معنابخشی و توجیه زندگی دنیوی نیست، بلکه راهی است برای رسیدن به حقیقت. در این چارچوب، ایده کلی اسلامی‌سازی معرفت - از اسلامی‌سازی فلسفه تا علوم انسانی، هنر و علوم تجربی - واکنش‌های متفاوتی را در بین صاحب‌نظران دارد. هر چند موضوع این مقاله مشتمل بر کل معرفت بشری نیست و تنها در دایره «آینده‌پژوهی» آن را پی خواهیم گرفت، اما برخورد متفکران و اندیشمندان با ایده اسلامی‌سازی علم یکسان نیست. عده‌ای با شتاب و بی‌پروا از این ایده استقبال می‌کنند و به سرعت به دنبال پیاده‌سازی آن هستند؛ در مقابل عده‌ای اساساً آن را غیرممکن می‌دانند.



امروزه روشن‌شده که علوم - به‌خصوص در عرصه انسانی - کاملاً به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه و همچنین باورها و جهان‌بینی دانشمندان بستگی دارند، لذا می‌توان گفت که توصیف علم در قالب علم غربی یا علم اسلامی می‌تواند معنا داشته و درست باشد (فشی و نظری‌زاده، ۱۳۹۱). در این راستا، فلاسفه اسلامی هر چند عمدتاً بر اهمیت عقل تأکید داشته و آن را حجت الهی و پیامبر درونی نامیده‌اند، در عین حال معتقدند مسیر عقل برای وصول به حقیقت و کسب سعادت نهایی، ناقص و نیازمند اکمال است (مصباح و رحیمی، ۱۳۸۹) که این اکمال از راه دین محقق می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است علم اگر علم است، نمی‌تواند غیراسلامی باشد، چراکه علم یا مرتبط با قول خداوند (مانند قرآن) و یا مرتبط با فعل خداوند (علوم طبیعی ناظر به عالم) است و لذا در هر دو صورت اسلامی است (سوزنچی، ۱۳۸۹). جامعیت و خاتمیت اسلام نیز اقتضاء می‌کند هر علم مفید و نافع را که برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است، علم دینی بخوانیم (گلشنی، ۱۳۸۵). سردار (۱۹۸۵) معتقد است علوم اسلامی هویت مستقل و ویژگی‌های منحصر به فرد دارند علوم غربی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فرهنگی و معنوی جوامع مسلمان باشد. اسلامی‌سازی معرفت و علوم را می‌توان به‌عنوان بازآرایی روش‌شناسانه و شناخت‌شناسانه علوم و رشته‌های مربوط به آنها نگریست (الالوانی، ۱۳۷۴). در مجموع (جدول شماره ۱) می‌توان گفت از منظر عقلی، با توجه به دیدگاه‌های صاحب‌نظران مسلمان و غیرمسلمان، تضادی ماهوی میان علم و دین وجود ندارد، هر چند اختلاف‌نظر در باب چگونگی ارتباط بین این دو زیاد است.





جدول (۱): دیدگاه‌های مختلف درباره علم و دین

دیدگاه	رویکرد غالب	ویژگی
قبل از رنسانس	• اصالت با آموزه‌های کلیسا و رد علوم مغایر با آن • قلمرو علم محدود به مرزهای تعیین‌شده توسط دین در همه ابعاد	• تضاد عقل و دین؛ حاکمیت نهادهای دینی
رنسانس (نوگرایی)	• حاکمیت عقل‌گرایی و پارادایم علوم تجربی و اثبات‌گرایی؛ • رواج نوگرایی - سکولاریسم • قلمرو علم محدود به اثبات تجربی و دین	• تضاد عقل و دین؛ حاکمیت با عقل • نفی هر گونه آموزه‌های دینی و همه میراث به جا مانده از دوران قبل در چارچوب علم؛ • حاکمیت علم تجربی و اثبات‌گرا
قرن بیستم	• افزوده شدن رویکردهای تفسیری و انتقادی • فرانوگرایی - فراسکولاریسم	• اصالت با عقل • پذیرش عدم کفایت رویکرد اثبات‌گرا؛ تداوم بازتعریف دانش در محدوده محسوسات و ادارکات بشر با رویکرد ابطال‌گرایی؛ پذیرش دین به‌عنوان مکملی برای ارتقا و معنابخشی زندگی مادی انسان‌ها
رویکرد اسلامی	• عقل و وحی هر دو برای وصول به حقیقت لازم است	• عقل و دین مکمل و موید هم • علم و دین هر دو برای نیل به سعادت و وصول به حقیقت لازم هستند

منبع: (یافته‌های پژوهشگران)

علم اسلامی را باید ترکیب متعادل و یکپارچه‌شده از معرفت دینی و معرفت طبیعی تلقی کنیم. با ابن دیدگاه، ما نباید صرفاً منتقد غرب باشیم، بلکه باید علم اسلامی تولید کنیم؛ یعنی ما باید در مقابل علم غربی، بدیلی به نام علم اسلامی داشته باشیم (Sardar, 1985). در ادامه از منظر معرفتی و کارکردگرایی دلایل نیاز به علوم انسانی اسلامی بحث شده و و درلوی آن، ضرورت آینده‌پژوهی اسلامی و سپس اهداف و نتایج متصور آن مرور می‌شود.

۳-۲. آینده‌پژوهی و آینده‌پژوهی اسلامی

آینده‌پژوهی در مفهوم رایج و امروزی آن، حوزه علمی نوپیدایی است (خزایی،

۱۳۹۱) که دانشمندان غربی ریشه و سرآغاز آن را در نوگرایی و آغاز عصر روشنگری جستجو می‌کنند (بل، ۲۰۰۳)، ولی شکل نوین و مرسوم کنونی آینده‌پژوهی در یک‌صد سال اخیر شکل گرفته است، اما تنها پس از جنگ جهانی دوم است که می‌بینیم آینده‌پژوهی به‌عنوان یک موضوع علمی مستقل مورد توجه جامعه علمی واقع شده است (مظفری، ۱۳۸۸ به نقل از: ناصرآبادی، ۱۳۷۹). مهم‌ترین رکن آینده‌پژوهی، درک و شناخت نظام‌مند و ترسیم تصویر وضعیت‌های ممکن و محتمل و حرکت به سمت وضعیت مطلوب و مرجح است (کارگر، ۱۳۸۸). پیتزر دراکر، آینده‌پژوهی را به‌عنوان مهارت مهم مدیریتی در دوران آشوب معرفی می‌کند و تصمیمات خوب را منوط به آینده‌پژوهی می‌داند (مظفری، ۱۳۸۸) درک دگرگونی‌ها و تغییرات پیرامون با آینده‌پژوهی میسر است و این دانشی است که ما را از غافلگیری می‌رهاند. به‌علاوه آینده‌پژوهی آمادگی مواجهه با آینده‌های نامتعیین و پاسخ به خطرات پنهان و بهره‌برداری از فرصت‌های احتمالی را افزایش می‌دهد. بل هدف‌هایی را که مطالعات آینده‌پژوهی تعقیب می‌کنند، به این شکل خلاصه و معرفی می‌نماید (بل، ۱۳۹۲، صص. ۲۲۰-۲۲۱):

- بررسی آینده‌های ممکن، آینده‌های محتمل، تصویرهای آینده، بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی، بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی؛
- تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال؛
- تلفیق دانش و ارزش برای طراحی حرکت اجتماعی؛
- افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی از آینده و طراحی آن؛
- ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن.

درمجموع، به‌نظر می‌رسد اصلی‌ترین هدف مطالعات آینده‌پژوهی بهتر و مطلوب‌تر ساختن زندگی بشر در زمان‌های آتی است. با آینده‌نگری می‌توان وضعیت‌های ممکن، محتمل و آینده مطلوب را تا حدود زیادی شناخت و برای رسیدن به گزینه‌های مطلوب، سازوکارهای نسبتاً مؤثری را در پیش گرفت (آقاپور و پهلوان، ۱۳۸۶). به‌زعم بیشتر آینده‌پژوهان اجتماعی، کلی‌ترین هدف آینده‌پژوهی، حفظ و بهبود سطح آزادی و رفاه بشر است و بنابراین در کلی‌ترین سطح، هدف آینده‌پژوهان تلاش برای تبدیل جهان به مکانی بهتر برای زندگی، سودرسانی به مردم و حفظ و گسترش آن دسته از ظرفیت‌های کره زمین است که به پایداری حیات در آن کمک می‌کند (بل، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۹). واضح است که این تعبیر از آینده‌پژوهی تنها متمرکز بر زندگی دنیوی بوده و درنهایت خود موجبات بهره‌مندی بیشتری انسان از رفاه و برخوردارگی مادی را





فراهمی می‌سازد. اما آینده‌پژوهی اسلامی گرچه این جنبه مادی توجه به آینده را رد نمی‌کند؛ ولی تنها محدود به این جنبه مادی نیست.

با این توصیف، آینده‌پژوهی اسلامی چه معنا و جایگاهی دارد؟ در طول تاریخ، بشر همواره شاهد آینده‌شناسی دینی بوده‌است. این آینده‌شناسی، نگاهی روشن و جامع به کل تاریخ و پیشگویی حتمی و فراگیر آینده است (کارگر، ۱۳۸۸). انسان دوست دارد بداند در آینده چه وقایعی رخ می‌دهد. برای برخی، همین دانستن موضوعیت دارد و مطلوب بالذات است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). به سبب اهمیت آینده‌نگری و نیز اقبال عمومی مردم به آن، همه مکاتب - اعم از مکاتب الهی و مکاتب بشری - به نوعی به آن حساس بوده و درباره آن بحث کرده‌اند تا در صدد ترسیم آن برای باورمندان خود برآیند (الهی‌نژاد، ۱۳۸۶). با توجه بحث‌های زیادی که در زمینه اسلامی‌سازی علوم میان فیلسوفان و اندیشمندان مختلف در گرفته، در مجموع نمی‌توان امکان عقلی و عملی علم اسلامی - و به تبع آن آینده‌پژوهی اسلامی - را رد کرد، هر چند تحقق آن شاید سخت و دیرپاب باشد. ون زکریا معتقد است با اینکه در بسیاری از منابع اسلامی، رویکرد آینده‌اندیشی چه برای فرد و چه برای جامعه یافت می‌شود، اما این دانش باید بدو مطابق سنت غربی مطالعه شود. آینده‌پژوهی دارای تصورات و ارزش‌های غربی است چراکه آینده‌پژوهی توسط متفکران غربی ارائه شده است و لذا اصول و مبانی آنها را در بطن خود دارد. همچنین از آنجاکه آینده‌پژوهی در درجه اول بر اساس شرایط کشورهای پیشرفته و نیازهای مردم کشورهای صنعتی تبیین می‌شود، در نتیجه یک‌طرفه و جهت‌دار می‌باشد (Wan Zakaria, 2010, p. 13).



۳-۳. دستاوردهای آینده‌پژوهی اسلامی

آینده‌پژوهی اسلامی مفهومی است که امکان وجود دارد، ولی تعبیر و تفاسیر در خصوص آن می‌تواند دچار قبض و بسط شود و به همین واسطه، نتایج و آثار آن نیز می‌تواند محدود یا مفصل باشد. طبعاً ابعاد معرفتی می‌تواند عمومیت و شمولیت گسترده‌تری داشته و ابعاد کاربردی، محدودتر و بومی‌تر باشد. جنبه‌های مورد بحث و بررسی در اینجا عبارت‌اند از: جنبه‌های علمی - فلسفی؛ جنبه‌های اجتماعی؛ جنبه‌های دولتی (حقوقی و قانونی)؛ جنبه‌های سیاسی. اگر این چهار جنبه را با سه قلمروی کاربرد آینده‌پژوهی یعنی «عرصه جهانی، دنیای اسلام و سطح ملی» مقابله کنیم، می‌توانیم فضای بحث را روشن سازیم.

۳-۳-۱. جنبه علمی - فلسفی

الف. معرفت دینی و سعادت بشر

علوم انسانی جدید نمی‌تواند پاسخ‌هایی کلی و مطلق برای پرسش‌های فراروی آدمی بدهد (پرتو، ۱۳۹۰). رویکرد انسان‌محوری ناشی از سکولاریسم و دین‌گریزی باعث شد علم جدید از یک‌سو وجود قدرت اسرارآمیز و غیرقابل مشاهده مؤثر در امور زندگی را نفی کرده و از سوی دیگر، مدعی شود آدمی با کاربرد این علم می‌تواند بر همه‌چیز مسلط شده در همه‌چیز تصرف کند (وبر، ۱۳۷۰)، اما فیلسوفان اسلامی علوم را به دو بخش تقسیم می‌کردند: قسمت نظری که به شناسایی سعادت بشر می‌پردازد و قسمت عملی که از تحقق آن سخن می‌گوید، اما به هر روی، سخن از سعادت و اتصال به خیر مطلق است (فارابی، ۱۳۶۴). در همین رابطه یکی از دانشمندان غربی معتقد است همیشه برنامه‌ریزی‌های بلندمدت تحت تأثیر یک فراچارچوب هنجاری و تحلیلی شکل می‌گیرند و دین و آموزه‌های دینی این فراچارچوب را در خدمت برنامه‌ریزی راهبردی قرار می‌دهد (Worden, 2005). استاد دانشگاه زوریخ، یکی از کارکردهای کلیدی دین را جهت‌های بنیادی برمی‌شمرد که حیات اجتماعی و فردی را به صورت شفاف و معنی‌دار در قالب چشم‌اندازهای راهبردی تعیین می‌کند و البته برخورداری از جهت‌های دینی دربرگیرنده شرایط واقعی جامعه اعم از جهت‌دهی و مدیریت بحران‌های وجودی، بهبود نامنی‌های بنیادی و مواجهه با رویدادهای پیش‌بینی نشده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵). در واقع شناخت مبانی اسلامی، هم عنصر مهمی است و هم وجوه افتراق و تشابه علم انسانی ما با علوم انسانی غربی را شکل می‌دهد (زارعی، ۱۳۹۰). با این تعبیر، آینده‌پژوهی اسلامی سعادت بشر را - که موضوع اساسی آینده‌پژوهی هم هست - با یک فراچارچوب دنیوی و اخروی؛ مادی و معنوی؛ و با شناخت کامل از ابعاد وجودی انسان ارائه دهد.

ب. مفروضات متفاوت

هر چند علوم انسانی به سبب سخن گفتن از انسان، دارای مبانی مشترک و زبان یکسانی در بسیاری از مسائل است (زارعی، ۱۳۹۰)، اما از دیدگاه علوم انسانی غربی، سعادت انسان محصور در این جهان بوده و چنین پنداشته می‌شود که انسان قادر است با راهنمایی عقل خودبنیاد و تجربه بشری بدون استمداد از هدایت‌های سرمدی، حیاتی نیکو برای خود بیافریند (مریجی، ۱۳۸۷). اندیشمندان فرانسوگرا،



معتقدند عقلانی بودن یک اعتقاد، تضمین‌کننده صدق آن - به معنای مطابقت با آن چه بیرون ذهن قرار دارد - نیست (مهدوی‌آزادبنی، ۱۳۸۸). این امر منجر به نوعی تکثرگرایی و ابطال‌گرایی و اعتبار موقتی علم می‌شود که درنهایت، نمی‌تواند پاسخ صریح و قابل اعتماد و پایدار به سؤالات اساسی بشر بدهد. گرچه در اندیشه اسلامی نیز عقل راهنمای کامل و کافی هدایت محسوب نمی‌شود، ولی نکته مهم آنکه برای آن پر کردن خلأ مذکور، راهنمایی وحی و ظهور اراده خداوند در تمام شئون زندگی مدنظر است. از سوی دیگر، اندیشه آخری در آن جایگاه مهمی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷). درحالی‌که از منظر آینده‌پژوهی اسلامی جهان آخرت وجود دارد که ادامه زندگی بشر را رقم می‌زند و در همچنین انسان موجودی است که به واسطه روح الهی، نامتناهی است یعنی تعالی آن محدود به قیود مادی شناخته شده نیست.

ج. روش‌ها و راه‌کارهای پژوهش

علوم انسانی مدرن از بُعد روشی - به‌ویژه از حیث روش‌های متنوع کیفی و کمی کارآمد - می‌توانند با تنوع و توانمندی خود به کمک بیابند. لیکن کاربرد روش بدون توجه به غایت مورد نظر یک نظام (سیستم)، منتج به نتیجه مطلوب و توان‌بخشی برای آن نمی‌شود. میراث فیلسوفان مسلمان علاوه بر اینکه نشان می‌دهد در انتخاب موضوع پژوهش به چه مسائلی توجه کنیم که دغدغه‌های راستین یک سامان سیاسی اخلاق‌مدار است، بلکه مشخص می‌سازد در شناخت وضع موجود و مطلوب و هم حرکت برای پژوهش به کدام‌سو حرکت کنیم. چگونه نیازهای یک سامان سیاسی اخلاقی را لحاظ کنیم و چگونه موضوع‌یابی پژوهش در علوم انسانی را به قصد تحقق فضیلت‌ها شکل دهیم (پرتو، ۱۳۹۰).

د. راهگشایی برای برخی بحران‌ها فکری معاصر

با وجودی که علم مدرن ادعای انسان‌گرایی و نیز پذیرفتن توانایی انسان در شناخت را دارد، با این حال در مورد شناخت خیرها و نیز دوری اخلاقی ناتوان مانده است. در مقابل فیلسوفان اسلامی به‌گونه‌ای بسیار انسان‌گرایانه‌تر توانایی انسان را در این مورد به رسمیت می‌شناختند. این فیلسوفان توان به‌دست آوردن دانش یقینی را - نه در باب همه امور که توقعی خدایی از انسان است - ممکن می‌دانستند (پرتو، ۱۳۹۰). بر خلاف علم مدرن که توان تشخیص آدمیان را در باب خیرهای اخلاقی به بیکران نسبی‌گرایی حواله می‌کند، برای فیلسوفان اسلامی کار اصلی علم و پژوهش علمی با همین نکته شروع می‌شد. فلسفه برای آنها تلاشی برای قراردادن فهمی راستین و همواره معتبر و قطعی در باب خیر بود (Strauss, 1995). در این صورت، در



مسئله‌انگیزی موضوعات نمی‌توانند فارغ از ارزش‌های اخلاقی انتخاب شوند؛ مثلاً نمی‌توان پژوهشی در باب اقتصاد را تنها با محوریت سود و یا در عرصه سیاست تنها در باب قدرت انجام داد (عبیری، ۱۳۸۵). لذا موضوع‌ها و سؤال‌های پژوهش‌ها باید در مسیری مطرح شوند که منطبق با ارزش‌ها و خیرهای مطلق باشند. به این ترتیب، در آینده پژوهی اسلامی، نقاط مرجعی ثابت و اساسی برای اندیشه‌ورزی در مورد آینده وجود دارد که خیر و خوبی را مشخص می‌سازد.

هـ کسب معرفت فراگیر

علم مدرن پیش از آنکه پاسخی به پرسش‌های آدمی بدهد، می‌کوشد نحوه سؤال پرسیدن او را مشخص کند (وهر، ۱۳۷۰). در علوم انسانی مدرن، طرح هر سؤالی درباره اجتماع یا انسان از مسیر دانش خاصی میسر و مقدور می‌شود که به گونه‌ای خاص و محدود، آن جنبه از اجتماع یا انسان را مورد مطالعه قرار داده باشد و همین‌طور به گونه‌ای محدود و تخصصی درباره سؤال مورد نظر پاسخ می‌دهد (پرتو، ۱۳۹۰). علامه جعفری بر این باور است که نگاه طبیعت‌گرا به حیات، نگاهی بسنده نیست و آن را باید با نگاهی جامع (حیات معقول) [یا حیات طیبه] جایگزین کرد (ندولو و موسی‌زاده نعلبند، ۱۳۹۰). بحث دیگر آن است که رسیدن به سعادت انسانی از طریق تحقق فضایل اخلاقی که مدنظر یک سامان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ارزش‌مدار است، تنها از طریق نقشه‌ای کلی، مطلق و ابدی ممکن است. علوم انسانی مدرن علی‌رغم آنکه در بررسی پدیده‌های انسانی بدل به زرادخانه‌ای از روش‌ها شده است (به‌ویژه از طریق تلفیق و مطالعات میان‌رشته‌ای)، لیکن نتوانسته و نمی‌تواند به وحدتی در خود برسد (دورتیه، ۱۳۸۲). این خصوصیات با رویکرد کل‌نگر و همه‌جانبه دینی در طرح موضوع‌ها و پاسخگویی به سؤال‌های بشر متفاوت است... مدینه‌ای که از این طریق [معرفت دینی] پدید می‌آید وحدت و هویت حقیقی دارد (خیری، ۱۳۸۹). لذا آینده‌پژوهی اسلامی این ظرفیت را در خود دارد که دانشی جامع و فراگیر - و نه فقط طبیعت‌گرایانه - از آینده فراهم سازد و یا حداقل سرنخ‌های این جامع‌نگری را به دست بشر بدهد.

۳-۲. جنبه اجتماعی و اقتصادی

الف. بازسازی هویت اسلامی و ملی

هویت یکی از مباحث مهم دنیای امروز است که نیاز به آن، احساس تعلق، وفاداری و گرایش به سمت آن از ضرورت‌های انکارناپذیر هر جامعه‌ای است (لقمان‌نیا و



احمدی یگانه، ۱۳۹۰ به نقل از: پول، ۲۰۰۳) سیدجمال الدین اسدآبادی از زمره کسانی است که از رجوع به خویشتن دینی و بازگشت به فرهنگ بومی سخن می‌راند (زارعی، ۱۳۹۰). پس از او، افراد دیگری نظیر محمد عبده (مصر)، اقبال لاهوری (پاکستان)، علی شریعتی و مرتضی مطهری نیز در این باب نظراتی ارائه کردند که کمابیش به معنی ضرورت توجه و بازگشت به هویت اسلامی و بومی بوده است (قربانی، ۱۳۸۳). در این راستا گفته شده توسعه بدون اعتقاد، ایمان و اخلاق، انسان را حریص تر، چپاول گرتر و متجاوزتر به جامعه تحویل می‌دهد (خلیلیان، ۱۳۸۱). آینده پژوهی اسلامی این فرصت را ایجاد می‌کند که مسلمانان نه با تقلید از کلیشه‌های آینده پژوهی متعارف، بلکه با تکیه بر ریشه‌های اسلامی و هویت واقعی خود، آینده را رقم بزنند.

ب. ایجاد استقلال فکری جامعه

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) می‌فرماید: تا این وابستگی [فکری] هست ما نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم، هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود، الا اینکه خودمان را بشناسیم (خمینی، ۱۳۶۸). شهید مطهری نیز می‌گوید یک جامعه لازم است از لحاظ افکار و عقاید از خود عقیده و مبانی محکمی داشته باشد (مطهری، ۱۳۹۴). وی اشاره می‌کند که استقلال فکری یعنی اینکه [جامعه] از خود فلسفه‌ای و اصولی و مبادی‌ای در زندگی داشته باشد و به آن ایمان و اعتماد داشته باشد... در اینجا استقلال به معنی نفی هر گونه سلطه‌پذیری و به‌عنوان طلوعه توسعه بومی، همه‌جانبه و پایدار مورد تأکید شهید مطهری قرار گرفته است (ابطحی و دیگران، ۱۳۹۰). رضایی و پیروزمند در تمایز میان توسعه از منظر نگاه اسلام و نگاه غربی، از جایگزینی هدف قرب الهی به‌جای بهره اقتصادی به‌عنوان هدف نهایی فعالیت علمی و فناوری صحبت می‌کنند (پایا، ۱۳۸۸). به تعبیری، دنباله‌روی از تفکرات دیگران نمی‌تواند جامعه‌ای با شرایط و ویژگی‌ها و مختصات متفاوت را به سرمنزل مقصود برساند. آینده پژوهی اسلامی این امکان را ایجاد می‌کند که با نگاه به درون و داشته‌های خود، مسلمانان افکار و اهداف خود را تعقیب نمایند و بتوانند مستقل از اندیشه‌های غرب، برای آینده خود و متناسب با زمینه‌ها و نیازهای خود طراحی نمایند.

ج. هماهنگی با ارزش‌ها و باورهای فردی و اجتماعی

علوم انسانی مدرن، بر بنیاد عقلانیت سکولار غربی پی‌ریزی شده و بالطبع تنها می‌تواند پاسخگوی نیازهای آن دسته از جوامعی باشد که نهادهای آن را عقل مدرن سکولار هدایت می‌کند (ندرلو و موسی‌زاده نعلبند، ۱۳۹۰). ضیاءالدین سردار



(آینده‌پژوه) معتقد است رشته‌هایی که بر مبنای نمونه‌های غربی توسعه و رشد می‌کنند، نمی‌توانند از ارزش‌ها و مفروضات متافیزیکی آنها عاری باشند (Wan Zakaria, 2010, p. 20)، اما کشف کنش‌های اخلاقی در هر اجتماعی مستلزم توصیف غنی از کیفیت این کنش‌هاست تا روشن سازد که در هر اجتماعی ابعاد معنایی زندگی انسان‌ها، از جمله فضیلت و خیر اخلاقی چه معنایی دارد (فی، ۱۳۸۲). روشن است که چنین دانشی [دانش سکولار] نه می‌خواهد و نه می‌تواند به ما بگوید که چه چیزی خیر ماست (پرتو، ۱۳۹۰). این در حالی است که ارزش‌ها و باورهای یک جامعه اسلامی، اتفاقاً به امور غیرمادی نظر داشته و بسیاری از مباحث دینی، اخلاقی و ارزشی جایگاه محوری در نظر یا عمل افراد و جامعه دارند. لذا آینده‌پژوهی اسلامی با تکیه بر ارزش‌ها و باورهای صحیحی که جامعه نیز بدان معتقد است، هماهنگی بیشتری را میان خواسته‌های جامعه و طرح آینده فراهم می‌سازد.

د. پاسخگویی به سؤال‌ها و نیازهای جامعه

تناسب میان علوم انسانی و جامعه و توجه به نیازها، تحولات و دغدغه‌های آن سبب می‌شود که مسئله‌انگیزی علوم انسانی از داخل مسائل عینی جامعه خود و لزوم داشتن کارکرد مفید در ارتباط با این عینیت، توان کاربردی‌سازی و عملیاتی‌شدن بیشتر و در نتیجه مفیدتر بودن افزون‌تر برای نتایج حاصله از پژوهش‌ها را فراهم آورد (قانع‌راد، ۱۳۸۶). باین حال به نظر می‌رسد علوم انسانی مدرنی که در ایران مورد آموزش قرار می‌گیرد و بنیاد پژوهش می‌باشد، به دلیل مختصات درونی خود و ویژگی‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی خود... قادر به برآورده کردن تقاضاهای علمی یک نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که بنیاد خود را بر ارزش‌های اخلاقی و فضیلت‌های انسانی با خوانشی دینی نهاده است، نمی‌باشد (پرتو، ۱۳۹۰). پس آینده‌پژوهی اسلامی با درک عمیق نسبت به نیازهای فطری بشر پاسخگوی بهتری برای ساختن آینده جامعه بشری است.

۳-۳-۳. جنبه حقوقی و قانونی

الف. قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات کلان

بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸). در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نیز موضوع پیشرفت با قید «هویت اسلامی انقلابی» آمده است (مجمع تشخیص



مصلحت نظام، ۱۳۸۲). طبعاً با چنین اشارات صریحی نسبت به ضرورت رعایت موازین اسلامی و هویت اسلامی و انقلابی، به‌راحتی می‌توان نتیجه گرفت که وقتی قرار است درباره موضوع حیاتی نظیر آینده بحث شود، به طریق اولی باید آینده‌پژوهی مبتنی بر موازین و خطوط راهنمای اسلام انجام شود.

ب. سیاست‌های راهبردی آموزش و پرورش و آموزش عالی

در ارزش‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صراحتاً به «اسلامی بودن و آینده‌پژوهی» اشاره شده است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). همچنین در سیاست‌های اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها، بر «طراحی و تدوین متون و برنامه‌های درسی بر اساس مبانی اسلامی در علوم انسانی» تأکید شده است. همچنین در یکی دیگر از بندهای این مصوبه اشاره شده که باید «توجه و تأکید بر هماهنگی و تناسب متون اخلاق و معارف اسلامی با نیازهای جدید و رشته‌های تحصیلی» صورت گیرد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹). به‌علاوه، در سند دانشگاه اسلامی بحث «طراحی نظام آموزشی، متون درسی در تمام شاخه‌های علوم بر اساس جهان‌بینی الهی و پژوهش در پدیده‌های هستی‌به‌منظور شناخت و شناساندن آیات الهی در جهان» به‌عنوان یک سیاست راهبردی مطرح شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲).

۳-۳-۴. جنبه سیاستی

الف. دیدگاه رهبری در خصوص اسلامی‌شدن علم و عمل در جامعه

مقام معظم رهبری در سال ۶۹ اشاره دارد که: «قامه قسط و عدل و رفع ظلم و ایجاد زندگی صحیح برای بشر، هدف ادیان است. پس باید حرکت به سمت حاکمیت اسلام باشد و حاکمیت اسلام در کشورها و جوامع اسلامی، امری ممکن است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان کشوری و لشگری و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۶۹/۷/۱۶). ایشان در کنفرانس وحدت اسلامی سال ۷۳ خطاب به مسئولان و کارگزاران نظام اشاره می‌کنند: «همه سعی دولت محترم و خدمتگزاران باید این باشد که ارزش‌های اسلامی را هر چه بیشتر در جامعه زنده کنند. بالاترین ارزش هم ارزش تقوا است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۶/۴). همچنین ایشان در نفی روش غرب و تأکید بر فرهنگ والای اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرماید: «چرا هنگامی که غربی‌ها بر مسائل غیرمعقول و انحرافی همچون اختلاط زن و مرد با عنوان تساوی زن و مرد، یا



سبک زندگی خود با عنوان پیشرفت و تجدد لجاجت دارند، ما بر ارزش‌های والای فرهنگ خود اصرار نداشته باشیم؟» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹). ایشان در ادامه تأکیدهای قبلی مبنی بر لزوم تحول در علوم انسانی و اسلامی شدن آن، خطاب به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌افزاید: «شورا، به‌عنوان اساسی‌ترین کار، به تدوین مبانی علمی و فلسفی تحول علوم انسانی اقدام کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹). این اشارات عام به مقوله علوم انسانی و ضرورت ابتناء به ارزش‌های اسلامی در علم و عمل، طبعاً قابل تعمیم به بحث آینده‌پژوهی نیز هست. ایشان البته بر اساس آموزه‌های دینی، علل و اسباب و مباحث مادی و معنوی - هر دو - را در ترسیم و تحقق آینده مؤثر می‌دانند و بر آن تأکید دارند. پس آینده‌پژوهی اسلامی به این اعتبار که می‌تواند و باید به آینده انقلاب بپردازد و گزینه بدیلی برای راهکارهای غربی باشد و دستاوردهای سیاسی قابل توجهی هم می‌تواند به ارمغان بیاورد.

ب. نیاز حاکمیت و نهادهای حاکمیتی

علوم انسانی مدرن نه فقط روش‌های تحقق اهداف نظام سیاسی حاکم و نیز ترتیبات اجتماعی مسلط را نشان می‌دهند، بلکه با پرسش‌گری در باب دغدغه‌های نظام و نیز کاستی‌های آن در جهت توان‌بخشی، تحکیم تداوم آنها گام برمی‌دارند (پرتو، ۱۳۹۰). به‌همین دلیل و از منظری دیگر، همچون همه شاخه‌های علوم، وجود تقاضا برای محصولات یک علم بسیار مهم است (منصوری، ۱۳۸۴). به‌عبارتی، مفهوم علم قابل درک نیست مگر اینکه... مبادله میان تقاضا و تولید محصول علمی وجود داشته باشد (Rescher, 1989). در اینجا موضوع مبادله و عرضه و تقاضا در حالت کلی آن مورد نظر است و می‌توان گفت نیازهای نظام اجتماعی و سیاسی حاکم سبب می‌شود تا علوم انسانی واقعاً به‌عنوان علم به حساب آیند، جدی گرفته شوند و مفید فایده باشند. یعنی سازمان‌های اجرایی حکومتی و غیرحکومتی هم که دانش‌بری فعالیت‌هایشان زیاد است، از محصولات این علوم استفاده می‌کنند (پرتو، ۱۳۹۰). به این اعتبار، با توجه به این که نهادهای انقلابی و ارکان نظام باید در راستای اهداف اسلام و انقلاب برنامه‌ریزی و اقدام نمایند؛ آینده‌پژوهی اسلامی است که جهت و چشم‌انداز این مسیر را نشان‌شان می‌دهد.

ج. اقدامات پیش‌دستانه

در دنیای امروز مشخص شده که جداکردن ساحت علم از دین و معارف الهی و



تقلیل آن به ورطه ادراکات بشری، موجب محدودیت‌ها و بروز عوارضی در جوامع بشری شده... این تمدن بتواند به زندگی نظم و هدف و معنا بخشد (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۸۵). از منظر دینی، ناقص و ناکافی بودن دانش بشری برای رسیدن به سعادت واقعی مشهود است. به‌همین لحاظ، علوم انسانی و از جمله آینده‌پژوهی متعارف، به لحاظ کمبودها و نواقص معرفتی، می‌تواند دربردارنده تهدیداتی باشد که در صورت استفاده و غفلت، در آینده موجبات آسیب دیدن جامعه شود. از همین‌روست که ضمن استفاده از ظرفیت‌های این دانش، باید قبل از بسط و نفوذ آن و تبدیل شدن آن به یک پارادایم مسلط فکری و عملی، اقدامات پیش‌دستانه برای تکمیل و تعالی آن در چارچوب معارف اسلامی صورت پذیرد.

۳-۴. دستاوردهای آینده‌پژوهی اسلامی در چارچوب غایت‌اندیشی و

مهدویت

آیت‌الله مصباح یزدی (۱۳۹۱) معتقد است در جهان‌بینی اسلامی... پیش‌بینی آینده اولاً، شدنی است و ثانیاً، فایده دارد... پس می‌توان آینده را پیش‌بینی کرد؛ منتها در محدوده‌ای خاص و تا آن جایی که واقعاً روش‌های علمی ایجاب کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). از دید ایشان راه صحیح استفاده از این آینده‌نگری، پیش‌بینی و پیش‌گویی‌ها آن است که بدانیم در رفتار فعلی‌مان چه اثری دارد؛ یعنی خودمان را آماده کنیم برای رفتاری که آن زمان باید انجام دهیم؛ این کسب اطلاع از آینده، معقول و خدایسند است. لذا آینده‌پژوهی با این نگاه امری ممدوح و منطبق با مبانی الهی است (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۸۵). البته چیزهای دیگری هم هست که اعتقادات ظنی ایجاد می‌کند و بی‌اثر نیست. اعتقادات ظنی هم تا حدود زیادی در زندگی ما مؤثر است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). از منظر نگاه به آینده، دین اسلام برای جامعه بشری غایت و آینده‌ای روشن، توسعه یافته و سعادت‌بخش ترسیم می‌کند (فاضل قانع، ۱۳۸۸). به‌عبارتی اسلام در عالی‌ترین نقطه آینده‌نگری، سعادت معنوی و تکامل انسان‌ها را در نظر می‌گیرد (قربانی، ۱۳۸۵). پاره‌ای از تعالیم و آموزه‌های اسلامی در رابطه با آینده و متوجه ساختن انسان‌ها به فرجام جهان است. این فرجام‌باوری هم می‌تواند شامل معادباوری باشد و هم پایان‌باوری تاریخی و براین اساس، هم پیشگویی غیبی شکل گیرد و هم سنت‌شناسی تاریخی (کارگر، ۱۳۸۸).

در اثر خداشناسی، خداپرستی، اطاعت کامل و دقیق از اوامر الهی، کسب رضای خدای متعال و تقرب درگاه او، جامعه آرمانی اسلام به هدف نهایی خود که استکمال



حقیقی انسان‌هاست دست می‌باید (مصباح یزدی، ۱۳۷۸)، لذا بهره‌گیری از آیات و روایات و تأمل و اندیشه در حوادث و رویدادها، می‌تواند نگاه ما را به آینده سامان درستی بخشد و یک نوع آینده‌پژوهی متعالی، مطمئن، بالنده و مترقی را شکل دهد (کارگر، ۱۳۸۸). اسلام علاوه بر نوید آینده‌ای روشن در پایان تاریخ، همواره پیروان خود را به رعایت برخی امور برای تحقق جامعه‌ای مطلوب در هر عصر و زمانی دعوت کرده است (فاضل قانع، ۱۳۸۸). از دید اسلامی می‌توان دو موضوع کلیدی مرتبط با آینده‌پژوهی را شناسایی نمود:

اول. ترسیم جامعه مطلوب: در رویکرد اسلامی، جامعه مطلوب بر اساس شاخص‌های الهی و خطوط راهنمای دینی تفسیر و تبیین می‌شود در حالی که در رویکرد بشری، وضع و ابداع جامعه آرمانی مبتنی بر ذهنیات بشری است (زادمنش، ۱۳۶۱).

دوم. تعریف سنت‌های حاکم: در رویکرد اسلامی، سنت‌ها و قوانین حاکم الهی هستند و حاکمیت خداوند را تحقق می‌بخشند؛ همگانی و همیشگی هستند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸)؛ ضروری و قطعی بوده و عینی هستند نه اعتباری (فاضل قانع، ۱۳۸۸). نافی اراده و اختیار انسان‌ها نیست چراکه خود انسان نیز از علل تحقق سنت است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸).

مکاتب الهی از آنجاکه جهان را دارای خالق حکیم، دانا و توانا می‌دانند و تدبیر جهان را بر اساس اراده حق تعالی توجیه می‌کنند، آینده و فرجام بشریت را روشن ارزیابی کرده و آینده جهان را از آن صالحان می‌دانند (الهی‌نژاد، ۱۳۸۶). به این ترتیب، مهم‌ترین بعد آینده‌شناسی اسلام و در واقع جلوه‌گری غایت‌مندی تاریخ و نظریه جامع و کامل نجات‌گرایانه دین است (کارگر، ۱۳۸۸) که نه تنها در اسلام بلکه در اکثر ادیان اشاره به منجی آخرالزمان دارد. در تفکر شیعی بخش مهمی از آموزه‌های مهدویت، توجه به آینده و بایستگی آمادگی، برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری آینده مطلوب است، می‌تواند در بعضی از روش‌ها و نگرش‌ها پیوندهایی با آینده‌پژوهی داشته باشد. آموزه مهدویت، آینده تمام‌نمای پیشگویی و حیانی دین اسلام و آینده‌ای حتمی، روشن، فراگیر، مطلوب و موعود امم است (کارگر، ۱۳۸۸). آنچه از آینده بیان کرده‌اند، برای این است که ما را راهنمایی کنند تا بدانیم امروز چگونه باید حرکت کنیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). می‌توان گفت مسئله انتظار جامعه آرمانی مهدوی و قیام مصلح جهانی از دو عنصر تشکیل شده است: نارضایتی از وضع موجود و پیگیری وضعیت مطلوب؛ که چنین رویکردی به‌طور طبیعی جامعه را به سوی زمینه‌سازی و فراهم نمودن شرایط بروز و ظهور آرمان سوق می‌دهد





(مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۰). کارگر (۱۳۸۸) معتقد است همه ابعاد و مؤلفه‌های یک آینده‌پژوهی در آموزه مهدویت وجود دارد: هم تفسیر کلان از حیات معقول بشری و فرجام‌شناسی تاریخ (فلسفه نظری تاریخ)؛ هم تصویر و ترسیم روشنی از وضعیت‌های مختلف (و درنهایت وضعیت حتمی)؛ و هم راه رسید به آن.

برخلاف آرمان‌شهرهای غربی که در مباحث جامعه‌شناسی و برنامه‌های آینده‌پژوهانه با صبغه‌ای مادی و منفعت‌طلبانه مطرح می‌شود، آرمان‌شهر اسلامی، شهر عدالت، شهر طهارت و پاکی، شهر ذکر و تذکر، شهر اصلاح، شهر شکر، شهر امن و شهر تحقیق‌شان واقعی انسان در مقام خلیفه‌الهی است (مطلبی و نادری، ۱۳۸۸). کامل‌ترین تجلی و تحقق آرمان‌شهر اسلامی، در آرمان‌شهر مهدوی خلاصه می‌شود (رامین، ۱۳۸۹). آینده‌پژوهی مهدوی عبارت است از دانش شناخت نظام‌مند آینده با رویکرد دینی و درباره موضوع‌ها و پدیده‌های مختلف که امکان فهم درست مواجهه آگاهانه و مدبرانه آنها [را] در حد مطلوب و مؤثر فراهم سازد و موجب حرکت جامعه در سطوح [مختلف] می‌شود (حرکت به‌سمت جامعه آرمانی و برنامه‌ریزی مناسب در راستای چشم‌انداز ترسیم شده) این سطوح عبارت‌اند از: سطوح: زیربنایی (مبانی)، میانی (رویکردهای عملی، راهبردی و سیاست‌گذاری)، کلان و فراگیر (منجی‌گرایی و تحقق جامعه مطلوب)، عالی و نهایی (فرجام تاریخ و غایت هستی) (کارگر، ۱۳۸۸).

مهم‌ترین رکن آینده‌پژوهی مهدوی، انتظار ظهور منجی موعود است که تأثیر بسزایی در آینده‌شناسی، فرجام‌باوری، هدفمندی و امیدگرایی دارد (کارگر، ۱۳۸۸). انتظار فرج، همواره با جهاد و تلاشی گسترده و پیگیر همراه است. این تلاش و کوشش، منشأ دو گونه فعالیت است که به موازات باید صورت گیرد: ترک هر گونه همکاری و همنوایی با عوامل ظلم و فساد تا سرحد مبارزه و درگیری با آنها؛ و خودسازی و همیاری برای جلب آمادگی مادی و معنوی جهت شکل‌گیری حکومت واحد جهانی (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۰). به‌طور خلاصه، مشخصه‌ها و محورهای آینده‌پژوهی مهدوی عبارت‌اند از (اقتباس از کارگر، ۱۳۸۸):

۱. نشانه‌شناسی (علم‌العلایم): پایش رویدادها و رخدادهای ظهور؛
۲. زمینه‌شناسی (علم‌الشرایط): برنامه‌ریزی برای تحقق امور و پدید آمدن شرایط ظهور؛
۳. آینده‌اندیشی پابرجا (توقع): منتظر و چشم‌به‌راه بودن تحقق و ظهور منجی؛
۴. دیده‌بانی مؤثر (ترقب): دیده‌بانی، مراقبت و نظارت بر تغییر و تحولات جهانی و



- شرایط پیش از ظهور؛
۵. فتنه‌شناسی (علم‌التحذیر): درایت در کنار ماندن یا مواجهه با فتنه‌ها، بحران‌ها و خطرات دوران آخرالزمان؛
۶. امتحان‌شناسی (علم‌الابتلاء): آمادگی برای امتحانات الهی که در دوران آخرالزمان تشدید می‌شود؛
۷. توان‌انگیزی جمعی (آمادگی آینده‌نگر): افزایش انگیزه و بالابردن اطلاعات و آمادگی پیش‌دستانه برای ظهور؛
۸. برنامه‌ریزی راهبردی (راهبرد انتظار): ارائه اطلاعات و دانش لازم برای برنامه‌ریزی کلان و بلندمدت و حرکت جامعه به سمت جامعه مهدوی؛
۹. شبیه‌سازی (الگوپردازی): تصویرسازی از وضعیت‌های آینده با رویکرد مهدوی. در مجموع، فرهنگ مهدوی مجموعه باورها و ارزش‌هایی است که درباره ظهور منجی موعود از نسل پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شکل گرفته و ریشه‌های معرفتی آن، از کتاب و سنت استخراج می‌شود (بهرزولک، ۱۳۸۸). مهدویت تنها ترسیم یک آرمان‌شهر انتزاعی به مانند آرمان‌شهرهای غربی نیست. مهدویت مسیر انتظار، شرایط منتظران و فضای قبل و هنگام ظهور را ترسیم می‌کند. باین‌حال آرمان‌شهر مهدوی نقطه اوج ساکنی نیست که به مانند رویکرد مارکس در نهایت امر به سکون و جمود ختم شود. آرمان‌شهر مهدوی نقطه عطفی در اوج است که پویایی و پیشرفت در آن ادامه می‌یابد.

۴. روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ روشی به صورت مرور نظام‌مند اسناد - مطالعه جامع و تفسیر متون مرتبط با موضوع خاص و با هدف ایجاد بینش جدید و ارائه تصویری یکپارچه (آویارد، ۱۳۹۰) صورت گرفته است. به این ترتیب، پس از تعیین موضوع و سؤال پژوهش، بر اساس چارچوب نظری مشخص شده، متون انتخاب، نکته‌برداری و در نهایت جمع‌بندی شد. لازم به ذکر است که در تهیه این پژوهش، بیش از ۱۰۰ منبع در ابتدا بر اساس عنوان، چکیده و کلیدواژه مرتبط انتخاب و با توجه به میزان ارتباط، نهایتاً ۶۴ منبع بررسی و در مطالعه بهره‌برداری شد.

۵. یافته‌های پژوهش

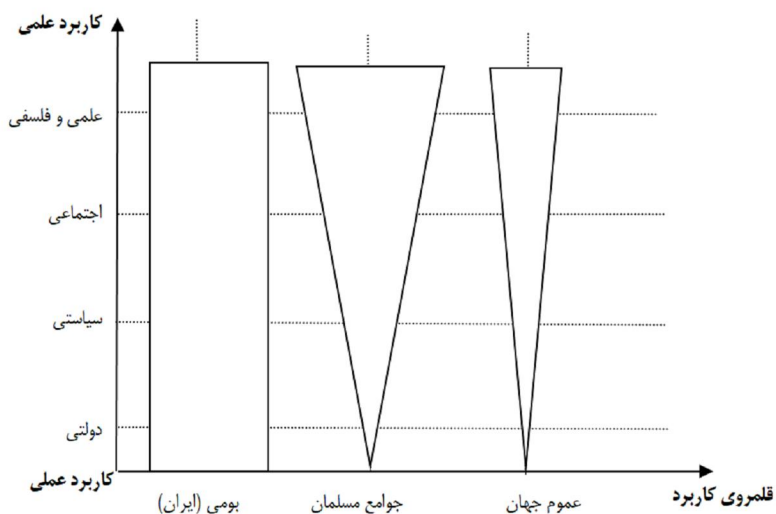
یک برآورد تقریبی و خلاصه‌شده از مجموعه کاربردهای آینده‌پژوهی در جدول

شماره ۲ و نمودار شماره ۱ ارائه و توضیح داده شده است. براین اساس، احتمالاً جنبه‌های معرفتی آینده‌پژوهی اسلامی می‌تواند کاربردهای فراگیر و جهانشمولی داشته باشد، درحالی‌که ابعاد عملی‌تر آن در قالب کاربردهای دولتی (حقوقی و قانونی) خاص‌تر بوده و بیشتر کاربرد بومی پیدا می‌کند.

جدول (۲): دسته‌بندی دستاوردهای آینده‌پژوهی اسلامی در چارچوب قلمرو و جنبه‌های موضوعی

جهان	جوامع مسلمان	ایران	قلمرو
✓✓✓	✓✓✓	✓✓✓	جنبه‌های علمی - فلسفی
✓	✓✓	✓✓✓	جنبه‌های اجتماعی
	✓	✓✓✓	جنبه‌های سیاسی
		✓✓✓	جنبه‌های دولتی

منبع: (نویسندگان)



منبع: (نویسندگان)

نمودار (۱): جنبه‌های دستاورد و قلمروی کاربرد آینده‌پژوهی اسلامی

نتیجه‌گیری

دیدگاه آینده‌پژوهی غربی حتی در نگاه آرمان‌شهری خود، دچار محدودیت‌های از ناحیه مفروضات، رویکرد و روش است. در یک بررسی نقادانه می‌توان خصوصیات زیر را در آینده‌پژوهی عرفی غرب مشاهده نمود:

- مبتنی ساختن آرمان‌شهر بر پایه اصول اومانیسزم و سکولاریسم که به معنی نادیده گرفتن بخشی از جنبه‌های فطری و واقعی زندگی انسان است.
- تمرکز بر جنبه‌های مادی گرایانه و عینی که به معنی محدود ساختن تعریف انسان و کوتاه کردن برد چشم‌اندازها و آرمان‌هایی متعالی وی است.
- انتزاعی تلقی کردن آرمان‌شهر و غیرعملی دانستن آن در عمل و در نتیجه، محدود ساختن دید و عمل انسان در دامنه‌ای از شیوه‌های عمل گرایانه.
- محدودساختن حد تعالی و شکوفایی انسان در قلمروی آرمان‌شهری و آینده‌پژوهی غربی، خود متوقف به جنبه‌های محدود ساختن ابعاد وجودی بشر است، اما در اندیشه اسلامی (و مهدوی) انسان موجودی بی‌انتهاست که روح الهی در وی دمیده شده و تا مرتبه خلیفه‌الهی می‌تواند بالا برود. ولی ازسوی دیگر، همه ظرفیت‌های بشر بالفعل نیست و لذا ما نباید به شکل خودمختار برای جامعه‌ای اسلامی و الهی آرمان و هدف تدوین کنیم. اگر در نگاه مادی غربی، موتور تحرک آزادی و رقابت واقعیت اصلی محسوب می‌شود، ولی در دید اسلامی قرب الهی و نزدیکی به خدا اصل محوری است که نه صرفاً بر حسب عقل انسانی، بلکه بر اساس آموزه‌های دینی و توصیه‌های اسلامی قابل حصول است.

پیشنهادات و توصیه‌های سیاستی

آینده‌پژوهی اسلامی - ایرانی یا بومی، مفهومی است که می‌تواند جذابیت‌ها و چالش‌های خاص خود را داشته باشد. این مفهوم هنوز در مراحل اولیه است و تا تحقق آن باید گام‌های زیادی را در مسیر بلوغ طی کند. در این راه، مباحث علمی - فلسفی می‌تواند موضوع‌هایی جذاب برای نهادهای علمی و اندیشمندان باشد که دستاوردهای کاربردی آن در آینده حاصل خواهد شد. استقبال نهادهای حاکمیتی از مضامین بومی و عناوین اسلامی - ایرانی، فرصت خوبی است که البته نباید جنبه شعاری گرفته و در سطح ظاهری باقی بماند، بلکه در باید دلالت‌های روشن و متمایز آن روشن باشد. توجه همزمان نهادهای علمی و حاکمیتی، اتفاق خوبی است لیکن ضرورت دارد درباره



اجتماعی شدن مضمون آینده‌پژوهی اسلامی - ایرانی تلاش عالمانه و هنرمندانه صورت گیرد و نتایج احتمالی آن برای عموم مخاطبان و کاربران آن آشکار گردد. براین اساس، موارد زیر به‌عنوان توصیه‌های سیاستی قابل پیشنهاد است:

۱- آینده‌پژوهی اسلامی - ایرانی به‌لحاظ علمی، نه‌تنها امکان طراحی و تحقق دارد، بلکه به دلایل مختلف مطرح شده، به‌ویژه تناسب با بافتار زیست‌بوم کشور، یک نیاز است.

۲- این امر مستلزم تلاش علمی و عملی است که در ساحت دانشی و نظری باید در دستور کار نهادهای علمی و پژوهشی قرار گرفته و به‌لحاظ عملی توسط نهادهای حاکمیتی و اجرایی تعقیب شود.

۳- به‌منظور پیشبرد عملی، توصیه می‌شود موضوع در قالب طرحی مشخص تعریف و دستور کارهای اولویت‌دار آن تهیه و نقشه راه تحقق آن تدوین شود (به‌طورمثال، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا... می‌توانند عهده‌دار این مهم شده و سایر دستگاه‌ها را به تناسب نیاز درگیر موضوع نمایند).

۴- یکی از دغدغه‌های مهم، جامعه‌پذیری موضوع آینده‌پژوهی اسلامی - ایرانی است. به‌عبارتی، حتی در صورت وجود چنین مکتبی، کاربردی شدن آن در سطح گسترده نزد جوامع علمی-تخصصی و عموم جامعه، موضوعی حیاتی است. به‌منظور تحقق این مکتب، مسئله کلیدی وجود دستاوردها و نتایج ملموسی است که در مقاله به آنها اشاره شد و براین اساس، پیشنهاد می‌شود تعقیب موارد در دستور کار فعالیت‌های علمی - آموزشی - ترویجی - پژوهشی و اجرایی قرار گیرد.

فهرست منابع

- آقاپور، علی و پهلوان، فاطمه (۱۳۸۶). آینده‌نگری؛ مبانی، ضرورت‌ها و روش‌شناسی‌ها. *راهبرد توسعه*، ۹(۱)، ۱۵۴-۱۷۶.
- آویارد، هلن (۱۳۹۰). *چگونه یک تحقیق مروری انجام دهیم*. ترجمه صرامی‌فروشانی و علی‌پورگراوند، تهران: جامعه‌شناسان.
- ابراهیم‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۵). پیامبران و تمدن آینده بشر. *درس‌هایی از مکتب اسلام*، سال چهل و ششم، (۲)، ۴۳-۵۰.
- ابطحی، سید حسین؛ بودلایی، حسن و جهرمی، علیرضا (۱۳۹۰). *درآمدی بر مبانی*

- انسان شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. دومین کنگره ملی علوم انسانی، ابوالقاسمی، محمدجواد (۱۳۸۵). شناخت فرهنگی. ترجمه سیاوش نادری‌فارسانی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری عرش پژوه. ۴۷-۳۷، (۱۱).
- الاولانی، طاهاج. (۱۳۷۴). اسلامی‌سازی معرفت: دیروز و امروز. ترجمه مسعود پدram، رهیافت. (۱۱)، ۴۷-۳۷.
- الهی‌نژاد، حسین (۱۳۸۶). آینده‌نگری و فرجام تاریخ بشر. *انتظار موعود*، ۷(۲۱)، ۸۱-۱۲۲.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه نور* (جلد ۹). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۸). سیاست و مهدویت. قم: حکمت رویش.
- بهروزلک، غلامرضا و میرشاه‌ولایتی، فرزانه (۱۳۹۰). آینده جهان اسلام از منظر دو آینده پژوه مسلمان: «سردار» و «المانجرا». *شرق موعود*، ۵(۱۹)، ۱۳۱-۱۵۵.
- بل، وندل (۱۳۹۲). *مبانی آینده پژوهی: تاریخچه، اهداف و دانش*. ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- پایا، علی (۱۳۸۸). آیا «الگوی توسعه ایرانی اسلامی» دست یافتنی است؟. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۵(۶۰)، ۳۱-۶۰.
- پدram، ع. (۱۳۹۲). *امکان‌پذیری آینده پژوهی اسلامی*. (رساله دکتری). دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، قزوین، ایران.
- پرتو، امین (۱۳۹۰). *علوم انسانی و میراث تمدن اسلامی: کاربردی‌سازی میراث فلسفی اسلامی در نظام آموزش و پژوهش کشور در حوزه علوم انسانی*. دومین کنگره ملی علوم انسانی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۹). بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشگری و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. (۱۳۶۹/۷/۱۶). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. yun.ir/ugel4c
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۳). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. (۱۳۷۳/۶/۴). پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌اله العظمی خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2721>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۲/۹/۱۹). پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌اله العظمی خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=24687>





خزایی، حسین (۱۳۹۱). *ضرورت ها و مبانی معرفت شناسی آینده پژوهی*. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه بین المللی امام خمینی (رحمت الله علیه)، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، قزوین، ایران.

خلیلیان، محمدجمال (۱۳۸۱). *اسلام و توسعه*. ویراستاران محمدجواد شریفی و حمیده انصاری، قم: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه.

خیری، حسن (۱۳۸۹). *مقایسه پارادایم دینی (اسلامی) با پارادایم های اثباتی، تفسیری و انتقادی*. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، (۲)، ۷-۳۲.

دورتیه، ژان فرانسوا (۱۳۸۲). *علوم انسانی: گستره شناخت ها*. ترجمه جلال الدین رفیع فر؛ ناصر فکوهی و مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.

دورکیم، امیل (۱۳۸۳) *صور ابتدایی حیات دینی*. ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

رادمنش، عزت الله (۱۳۶۱). *قرآن جامعه شناسی اتوپیا: قرآن و عقاید اجتماعی*. تهران: امیرکبیر.

رامین، فرح (۱۳۸۹). *ساختار معرفت در فرهنگ اتوپای مور و آرمان شهر مهدوی*. *مشرق موعود*، ۴(۱۳)، ۵۹-۸۸.

ریمون، آرون (۱۳۷۰). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*. ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی.

زارعی، هوشنگ (۱۳۹۰). *آسیب شناسی تفکر آرمان شهر در تمدن اسلامی و رویکردهای متفکران مسلمان*. دومین کنگره ملی علوم انسانی.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی وزارت آموزش و پرورش.

سوزنچی، حسین (۲۰۱۰). *علم دینی از منظر آیت الله جوادی آملی*. *حکمت اسراء*، ۴(۲)، ۶۳-۸۸.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۹). *سیاست های راهبردی اسلامی شدن دانشگاه ها*. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). *سند دانشگاه اسلامی*. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

عبیری، غلامحسن (۱۳۸۵). *دانشگاه و تعارض مشروع*. تهران: آیدن.

عیوضی، محمدرحیم و پدram، عبدالرحیم (۱۳۹۴). *نظام «نگرش آینده پژوهی» اسلامی*. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۴(۱۶)، ۷۷-۹۶.



فراہی، ابونصر (۱۳۶۴). *احصاء العلوم*. ترجمه خدیوجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. فضل‌قانع، حمید (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی*. معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، (۱)، ۴۵-۶۸.

فشی، م و نظری‌زاده، فرهاد (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر تحلیل آینده‌پژوهی اسلامی و غربی*. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی، تهران.

فی، برایان (۱۳۸۲). *فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرش چندفرهنگی*. ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

قانع‌راد، سید محمدامین (۱۳۸۶). *تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی: بررسی موردی رشته علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. قربانی، سعید (۱۳۸۵). *آینده‌اندیشی از منظر اسلام (با بهره‌گیری از تفاسیر قرآن کریم)*. اولین همایش آینده پژوهی، تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر. قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). *هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری*. *فصلنامه مطالعات ملی*، (۱۸)۵.

کارگر، رحیم (۱۳۸۸). *آینده پژوهی مهدوی*. *انتظار موعود*، (۲۸)۹، ۶۵-۱۰۶. گلشنی، مهدی (۱۳۸۵). *از علم سکولار تا علم دینی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

گوشه، مارسل (۱۳۸۵). *دین در دموکراسی و حقوق بشر*. ترجمه امیر نیک‌پی، تهران: نگاه معاصر.

لقمان‌نیا، مهدی و احمدی‌یگانه، طیبه (۱۳۹۰). *واکاوی مؤلفه‌های هویت ملی در پایان‌نامه‌های دانشجویی*. دومین کنگره ملی علوم انسانی،

مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۲). *سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران*. تهران.

میریجی، شمس‌الله (۱۳۸۷). *سکولاریسم و عوامل اجتماعی شکل‌گیری آن در ایران*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).

مصباح، علی و رحیمی، سلمان‌علی (۱۳۸۹). *دین و جامعه فراسکولار؛ نقدی بر نظریات هابرماس درباره دین در جهان مدرن*. *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال اول، (۴)، ۱۵۱-۱۷۸.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). *حقوق و سیاست در قرآن*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، قم.



- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). اسلام و پیش‌گویی آینده؛ فرصت‌ها و تهدیدها. *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۱(۴)، ۱۵-۱۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). *پیرامون انقلاب اسلامی*. تهران: صدرا.
- مظفری، علی (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی، بستر عبور از مرزهای دانش. *پژوهشنامه نظم و امنیت/انتظامی*، ۲(۴)، ۲۵-۴۷.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *حکومت جهانی مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف)*. قم: نسل جوان.
- منصوری، رضا (۱۳۸۴). *ایران را چه کنیم؟ سامان‌دهی و نابسامانی‌های توسعه علمی*. تهران: کویر.
- مهدوی‌آزادبنی، رمضان (۱۳۸۸). *پست مدرن و دین: تهدید یا فرصت. نشریه فلسفه*، ۳۷(۴)، ۶۱-۷۷.
- ندرلو، بیت‌الله و موسی‌زاده نعلبند، صدیقه (۱۳۹۰). *قرآن، حیات معقول و علوم انسانی یا مدلی برای علوم انسانی اسلامی ایرانی*. دومین کنگره ملی علوم انسانی، وبر، ماکس (۱۳۷۰). *دانشمند و سیاستمدار*. ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر تبیان.

- Bell, W. *Foundations of Futures Studies, Volume 1: Human Science for a New Era*. Transaction Publishers. https://books.google.com/books?id=ILJ_pfMgLqsC
- Center, P. R. (2012). *The Global Religious Landscape: A Report on the Size and Distribution of the World's Major Religious Groups as of 2010*. <https://assets.pewresearch.org/wp-content/uploads/sites/11/2014/01/global-religion-full.pdf>
- Grenz, S. J. (1996). *A Primer on Postmodernism*. Wm. B. Eerdmans Publishing.
- Sardar, Z. (1985). *Arguments for Islamic Science*. Aligarh Centre for Studies on Science. <https://multiversityindia.org/wp-content/uploads/2010/05/arguments-for-islamic-science1.pdf>.
- Strauss, L. (1995). *Liberalism ancient and modern*. University of Chicago Press.
- Wan Zakaria, W. F. A. B. (2010). *Futures studies in contemporary Islamic and Western thought: a critical study of the works of Ziauddin Sardar, Mahdi Elmandjra, Alvin Toffler and Daniel Bell*, University of Birmingham.
- Worden, S. (2005). Religion in strategic leadership: A positivistic, normative/theological, and strategic analysis. *Journal of Business Ethics*, (57), 221-239.

References

- Abiri, G. (1385). University and legitimate conflict. Aiden, Tehran. (In Persian)
- Abolghasemi, M. (2006). Cultural Awareness, (Translators: S. Naderi Farsani). Arsh Pajouh cultural Institute. (In Persian)
- Abtahi, S. Boodlayee, H & Jahromi Kooshki, A (2011). An Introduction to the Anthropological Foundations of the Iranian Islamic Model of progress, the 2end National Congress on Humanities. (In Persian)
- Aghapour, A. & Pahlavan, F. (2007). Futures Studies: Basics, Necessities and Methodologies. Quarterly Journal of Development Strategy, 9(1), 154-176. (In Persian)
- Al Alvwani, T.J. (1995). The Islamization Of Knowledge: Yesterday And Today. (Translator: M. Pedram). Rahyaft. (11), 37-47. (In Persian)
- Aveyard, H(2011) Doing A Literature Review In Health And Social Care: A Practical Guide, (Translators: P. Saramiforooshani & F.Alipour Gravand), Jame'e Shanasan, Tehran. (In Persian)
- Behrooz Lak, GH. & Mirshahvelayati, F. (2011). THE FUTURE OF THE ISLAMIC WORLD FROM THE POINT OF VIEWS OF TWO MOSLEM FUTURIST RESEARCHERS: SARDAR AND ALMANGERA, Sharq -E-Moud, 5(19), 131-155. (In Persian)
- Behrooz Lak, GH. (2009). Politics and Mahdaviyat. Hekmat-e- Rooyesh, Qom. (In Persian)
- Bell, W (2013). Foundations of Futures Studies, Vol. 1: History, Purposes, and Knowledge (Translator: M. Taghavi). Defense Industries Educational and Research Institute, Tehran. (In Persian)
- Bell, W. Foundations of Futures Studies, Volume 1: Human Science for a New Era. Transaction Publishers. https://books.google.com/books?id=ILJ_pfMgLqsC
- Center, P. R. (2012). The Global Religious Landscape: A Report on the Size and Distribution of the World's Major Religious Groups as of 2010. <https://assets.pewresearch.org/wp-content/uploads/sites/11/2014/01/global-religion-full.pdf>
- Council for identifying the interests of the system. (1382). Document Chashmandaz 1404 of the Islamic Republic of Iran. Tehran(In Persian)
- Document on the fundamental transformation of education and upbringing. (2011). Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution of the Ministry of Education. Tehran.
- Dortier, J. (2003). Les sciences humaines panorama des connaissances, (Translators: J. Rafifar, N. Fakoochi & M. Katbi), Ney Publication, Tehran.
- Durkheim, E. (2004). The Elementary Forms of the Religious Life (Translator: B. Parham). Markaz. Tehran.
- Ebrahimnejad, M. (2006). Prophets and Human Civilization Future. Lessons from Islam school, 46(2), 43-50. (In Persian)
- Elahi Nejad, H. (2007). Futurism and Human History Ending, Entezar -e-



- Moud, 7(21), 81-122. (In Persian)
- Eyvazi, M., & Pedram, A. (2014). The system of "future research" islamic. Social and Cultural Strategy, 4(16), 96-77. (In Persian)
- Eyvazi, M., and Pedram, A. (2014). The system of "future research" islamic. Social and Cultural Strategy, 4(16), 96-77. (In Persian)
- Farabi (1985). Ehsao Al Oloom (Translator: H. Khadivjam). Elmi va Farhangi Publication, Tehran. (In Persian)
- Fasihi, M. and Nazarizadeh, F. (2011). An introduction to the analysis of Islamic and Western futurism. Defense Industries Educational and Research Institute, Center for the Future Research of Defense Sciences and Technologies, Tehran. (In Persian)
- Fay, B. (1382). Contemporary philosophy of social sciences with a multicultural perspective (Translator: Kh. Dehimi). New design, Tehran. (In Persian)
- Fazel Qanae, H. (1388). Futuristic studies and ideal Islamic society. Social cultural knowledge, first year, (1), 45-68. (In Persian)
- Ghorbani, Q. A. (1383). National identity from the point of view of Professor Motahari. National Studies Quarterly, 5(18). (In Persian)
- Ghorbani, S. (1385). Thinking about the future from the perspective of Islam (using the interpretations of the Holy Quran), the first future research conference, Amirkabir University of Technology, Tehran. (In Persian)
- Grenz, S. J. (1996). A Primer on Postmodernism. Wm. B. Eerdmans Publishing.
- Gulshani (2006). From secular science to religious science. Research Institute of Humanities and Cultural Studies. Tehran. (In Persian)
- Gushe, M. (2006). The religion of democracy and human rights. Translation: Amir Nikpi. Contemporary look. Tehran. (In Persian)
- Hamilton, M. (1999), Sociology of Religion, (Translator: M. Talasi). Tabian Publishing House, Tehran. (In Persian)
- Imam Khomeyni (1989). Sahifeye Noor (Vol. 9), institute for compilation and publication of Imam Khomeini's works, yun.ir/eebw44(In Persian)
- Kaliliyan, M. (2002). Islam & Development. Hozeye Elmiye Center for Cultural Studies & Researches, Qom. (In Persian)
- Kargar, R. (2009). Mahdavi's future research. Promised Expectation, 9(28), 65-106. (In Persian)
- Khazayee, S. (2012). Necessities and foundations of future research epistemology. Institute of Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Kheyri, H. (2010). Comparison of religious (Islamic) paradigm with positive, interpretation and criticism paradigms. Social cultural knowledge, 1(2), 7-32. (In Persian)
- Loqmannia, M. & AhmadiNeganeh, T. (1390). Analyzing the components of national identity in student theses of the second National Humanities Congress. (In Persian)
- Mahdavi-Azadbani, R. (2009). Postmodernism and religion: threat or opportunity. Journal of Philosophy, 37(4), 77-61. (In Persian)



- Makarem Shirazi, N. (2011). The world government of Mahdi Ajllullah Ta'ala Faraja Al-Sharif. young generation. Qom. (In Persian)
- Mansouri, R. (2005). What should I do with Iran? Organization and disorders of scientific development. desert. Tehran. (In Persian)
- Meriji, Sh. A. (2009). Secularism and social factors of its formation in Iran. Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA). Qom. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, M. (1998). Law and politics in the Qur'an. Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, M. T. (2011). Islam and predicting the future; opportunities and threats. Islam and Management Research, 1(4), 15-17. (In Persian)
- Mesbah, A. & Rahimi, S. (2010), Religion and extra-secular society; A critique on Habermas's theories about religion in the modern world, Quarterly Journal of Cultural and Social Knowledge, Year 1, (4), 151-178. (In Persian)
- Motahari, S. M. (2014). About the Islamic Revolution. sadra Tehran. (First edition: 1980). (In Persian)
- Mozafari, A. (2009). The future of research, the platform for crossing the borders of knowledge. Research Journal of Police Order and Security, 2(4), 25-47. (In Persian)
- Nderlo, b. A. & Mouszadeh Naalband, p. (2011). Quran, reasonable life and humanities or a model for Iranian Islamic humanities, the second national congress of humanities. (In Persian)
- Parto, A. (2011). Humanities and Islamic Civilization Heritage: Islamic Philosophy Making Applicable in Education and Research System, the 2end National Congress on Humanities. (In Persian)
- Paya, A. (2009). Is "Irani-Islamic Development Model" catchable? Humanities Methodology, 15(60), 31. (In Persian)
- Pedram, A. (2013). Islamic Futures Studies Possibility [Phd Disertation], Qazvin. (In Persian)
- Qanirad, S. (2007). Interactions and communication in the scientific community: a case study of the field of social sciences. Research Institute of Cultural and Social Studies, Tehran. (In Persian)
- Radmanesh, A. (1982). The Qur'an of the Sociology of Utopia: The Qur'an and Social Ideas. Amir Kabir. (In Persian)
- Ramin, F. (2010). The structure of knowledge in the culture of Moor's utopia and Mahdavi's utopia. Sharq -E-Moud, 4(13), 59-88. (In Persian)
- Raymond, A. (1991). Main currents in sociological thought (Translator: B. Parham). Elmi Publication, Tehran. (In Persian)
- Sardar, Z. (1985). Arguments for Islamic Science. Aligarh Centre for Studies on Science. <https://multiversityindia.org/wp-content/uploads/2010/05/arguments-for-islamic-science1.pdf>. (In Persian)
- Soozanchi, E. (2010). Religious science from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli. Hekmat e Asra, 4(2), 63-88. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader at the meeting of the country and army officials and the guests of the Islamic Unity Conference (1990-10-08),





Tehran, yun.ir/ugel4c. (In Persian)

Statements of the Supreme Leader in the meeting with the officials of the system (1994-08-26), Tehran, <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2721>. (In Persian)

Strauss, L. (1995). Liberalism ancient and modern. University of Chicago Press.

Supreme Council for Cultural Revolution (2000). Strategic policies of Islamization of universities. Tehran: Islamic Council Research Center. (In Persian)

Supreme Council for Cultural Revolution (2012). Islamic University document. Tehran: Islamic Council Research Center. (In Persian)

The Supreme Leader's statements in the meeting with the members of the Supreme Council of the Cultural Revolution (2013-12-10), Tehran, <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=24687>. (In Persian)

Wan Zakaria, W. F. A. B. (2010). Futures studies in contemporary Islamic and Western thought: a critical study of the works of Ziauddin Sardar, Mahdi Elmandjra, Alvin Toffler and Daniel Bell University of Birmingham.

Weber, M. (1370). Scientist and Politician (Translator: A. Naqib). Tehran University Press, Tehran.

Worden, S. (2005). Religion in strategic leadership: A positivistic, normative/theological, and strategic analysis. *Journal of Business Ethics*, (57), 221-239.

Zarei, H. (2011). Pathology of utopian thinking in Islamic civilization and the approaches of Muslim thinkers, the 2end National Congress on Humanities. (In Persian)



